



## سازمان بسیج مستضعفین

«سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه و بسیج»

### عنوان پویش:

«سؤالات مرتبط با کتاب پاسخهای اجمالی به چند پرسش جنگ تحمیلی»

### تهیه و تنظیم:

یحیی نیازی

۱۴۰۳ تهران

## باسمه تعالی

«ما هر چه از لحاظ زمان از دفاع مقدس دور می‌شویم، از لحاظ معرفت باید به دفاع مقدس نزدیک‌تر بشویم؛ چرا؟ چون تحریف در کمین است؛ دستهای تحریف‌گر در کمینند. خُب شماها که مردان جنگید، الآن حضور دارید؛ بالاخره شماها یک چیزی می‌گویید، یک دفاعی می‌کنید، اما بیست سال دیگر خیلی از این جمعیتی که امروز حضور دارند، نیستند؛ سی سال دیگر عدد بیشتری نیستند. دست تحریف این بخش پُردرخش تاریخ ما را ممکن است مخدوش کند؛ لذا بایستی کار کنیم، معرفت ما بایستی زیاد بشود.»

بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در آئین تجلیل از پیشکوتان دفاع مقدس ۳۱ شهریور ۱۳۹۹

### مقدمه

نظام جهانی سلطه به رهبری آمریکا و همراهی متحدان اروپایی و چراغ سبز و سکوت اتحاد جماهیر شوروی (ابر قدرت وقت شرق)، پس از ناامیدی از مهار و فروپاشی درونی نظام نوپای جمهوری اسلامی و با هدف براندازی آن با استفاده از صدام حسین رئیس‌جمهور بعث عراق که به لحاظ ویژگی‌های فردی و سیاسی، سودای رهبری جهان عرب و تمایل شدید به جلوگیری از مرجعیت و محوریت جمهوری اسلامی در منطقه و جهان اسلام، بخشی از شاکله او را تشکیل می‌داد، جنگ نابرابری را بر ملت ایران تحمیل کرد. در ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ ه. ش، تهاجم گسترده‌ای به مرزهای جمهوری اسلامی ایران آغاز و هزاران کیلومتر مربع از خاک کشور ایران اشغال شد. این جنگ نابرابر در شرایطی به ایران تحمیل شد که کشور آمادگی برای پذیرش یک جنگ تمام‌عیار را نداشت. اما با هدایت حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup>، فرزندان راستین انقلاب ضمن پایان دادن به اقدامات کور گروهک‌ها در داخل کشور، خود را به سرزمین‌های مورد تهاجم رسانده و با دلاوری در طول هشت سال دفاع مقدس چشم طمع بیگانگان به این مرز و بوم را کور کردند. دوران دفاع مقدس اکنون با روایت‌های متعدد روبرو شده است که علاوه بر اینکه ساحت‌های مطالعاتی متنوعی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، زمینه‌ساز سؤالات، ابهامات، شبهات و... نیز بوده است. به همین منظور ۲۰ سؤال با پاسخ‌های اجمالی و مختصر از متن کتاب «پاسخ‌های اجمالی به چند پرسش جنگ تحمیلی» آماده و در اختیار شرکت کنندگان در پویش قرار گرفته است.

یحیی نیازی

شهریورماه ۱۴۰۳

## ۱. آیا حمله صدام و حزب بعث به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ قابل پیش‌بینی و جلوگیری بود؟

بنابر دلایل زیر، حمله عراق به ایران قابل پیش‌بینی بود، اما در آن مقطع زمانی، جلوگیری از آن امکان‌پذیر نبود؛ (اجتناب‌ناپذیری جنگ):

- تعلق اراده قدرت‌های جهانی برای تحمیل جنگ به ایران به‌منظور مقابله با انقلاب اسلامی.
- تصمیم قاطع صدام برای استفاده از فرصت به‌دست‌آمده و اجماع جهانی و منطقه‌ای در حمایت از این رویکرد.
- ناکام ماندن قدرت‌های جهانی از نتیجه‌گیری در اقدامات پیشین علیه انقلاب اسلامی.
- مساعد بودن شرایط داخلی کشور برای وقوع جنگ تحمیلی.

## ۲. بزرگترین اشتباه محاسباتی صدام و حامیانش در حمله به ایران چه بود؟

بزرگترین اشتباه محاسباتی صدام و اردوگاه استکبار جهانی در عدم محاسبه قدرت نهفته ملت ایران به رهبری امام امت، در همان آغاز جنگ مشخص و معادلات آن‌ها را بهم ریخت. آنها وضعیت انقلاب و نوپایی نظام، نابسامانی ارتش، اختلافات سیاسی، شرایط بد اقتصادی، سهم‌خواهی جریانها و گروههای سیاسی، مسائل قومی و منطقه‌ای و... را محاسبه کرده بودند. اما هیچ وقت فکر نمی‌کردند که با فرمان امام جوانان و مردم کوچه و بازار از همه اقشار به میدان نبرد بروند و با تمام توان در مقابله حملات دشمن ایستادگی نمایند.

## ۳. چرا وقوع جنگ در سال ۱۳۵۹ اجتناب‌ناپذیر بود؟

چون ایران در سطح راهبردی غافلگیر شد، در سطح عملیاتی و تاکتیکی توان مقابله نداشت و در دیپلماسی نیز ضعیف عمل کرد. بنابراین در آن مقطع زمانی، جلوگیری از آن امکان‌پذیر نبود (اجتناب‌ناپذیری جنگ):

- نوپایی نظام اسلامی و نداشتن تجربه لازم برای مقابله با رویدادهای گسترده‌ای همچون جنگ.
- غافلگیری ایران در سطح راهبردی به دلیل باور نداشتن مسئولان ارشد سیاسی و نظامی کشور به امکان وقوع جنگ و تمرکز آنها بر مسائل سیاسی و جناحی داخلی.
- ناتوانی کشور در سطح عملیاتی و تاکتیکی برای مقابله فوری با تهاجم دشمن.
- ماهیت و عملکرد فرمانده وقت کل قوا، ابوالحسن بنی‌صدر و دولت او بر غافلگیری ایران.
- بی‌توجهی به هشدارهای امام خمینی<sup>(ره)</sup> و دیگر مسئولان آگاه در مراکز سیاسی و نظامی.
- ضعف در دستگاه دیپلماسی کشور برای جلوگیری از وقوع جنگ.

#### ۴. برخی ویژگی‌ها و انگیزه‌های صدام برای آغاز جنگ، کدامند؟

- ویژگی‌ها و انگیزه‌های صدام شامل:
  - الف- تلاش برای کسب رهبری جهان عرب.
  - ب- پر کند کردن خلاء «ژاندارمی منطقه» و حافظ منافع غرب شدن.
  - ج- جبران حس حقارت ناشی از امضای قرارداد الجزایر (۱۳۵۴/۱۹۷۵).
  - د- نگرانی‌های دولت صدام از بازتاب انقلاب اسلامی در عراق.

#### ۵. تاثیر عوامل نظامی و دفاعی در زمینه سازی وقوع جنگ در برگیرنده کدام موضوعات مهم

**است؟**

- تضعیف بازدارندگی دفاعی ناشی از خروج ایران از پیمان‌های دفاعی.
- تضعیف ارتش جمهوری اسلامی (ضعف در فرماندهی، روحیه رزمی).
- نوپایی و نظام‌مند نبودن نهادهای انقلابی با هویت نظامی و انتظامی.

## ۶. عوامل مؤثر زمینه‌ساز جنگ در محیط ملی ایران

|   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| <p>۱. ماهیت و عملکرد دولت موقت</p> <p>۲. سهم خواهی گروه‌ها و جریانات سیاسی و عدم همسویی آنان با انقلاب</p> <p>۳. ضعف ساختار نظام سیاسی و بی‌ثباتی در اداره کشور</p> <p>۴. عدم باور مسئولان ارشد سیاسی و نظامی به امکان وقوع جنگ،</p> <p>۵. به رغم هشدارهای حضرت امام خمینی(ره)</p> <p>۶. یاس و سردرگمی عوامل داخلی آمریکا با تسخیر لانه جاسوسی</p>  | <p><b>عوامل سیاسی</b></p>           |
| <p>۱. بروز و گسترش ناامنی، ترور، ایجاد بحران و درگیری های داخلی</p> <p>۲. بحران در مناطق کردنشین و خوزستان با فعال شدن گروه‌های تجزیه طلب</p> <p>۳. فقدان تمرکز ساختار اطلاعات و امنیت در کشور به رغم تعدد مراکز اطلاعاتی</p>   | <p><b>عوامل امنیتی و داخلی</b></p>  |
| <p>۱. تضعیف بازدارندگی دفاعی ناشی از خروج ایران از پیمان های دفاعی</p> <p>۲. تضعیف ارتش جمهوری اسلامی ( ضعف در فرماندهی، روحیه رزمی</p> <p>۳. نویابی و نظامند نبودن نهادهای انقلابی با هویت نظامی و انتظامی</p>   | <p><b>عوامل نظامی و دفاعی</b></p>   |
| <p>۱. کاهش شدید ذخایر ارزی و ریالی کشور</p> <p>۲. افزایش فشارهای اقتصادی و کاهش توان کشور در تامین نیازمندی های اولیه مردم.</p> <p>۳. افزایش مشکلات کشور در حوزه نفت ( کاهش استخراج و تولید، کاهش صدور، کاهش قیمت)</p> <p>۴. توقف و تعطیلی بسیاری از صنایع تولیدی داخلی</p> <p>۵. کاهش سرمایه گذاری در ایران و افزایش نرخ تورم و رکود در کشور</p> <p>۶. آغاز و تشدید رقابت‌های نا سالم اقتصادی برخی کشورهای منطقه در همسویی با سیاست های آمریکا و غرب</p> | <p><b>عوامل اقتصادی</b></p>         |
| <p>۱. فعال شدن گسل های قومی و مذهبی در کشور</p> <p>۲. پیدایش جریانات اجتماعی و فرهنگی واگرا و مخالف جمهوری اسلامی</p>   | <p><b>عوامل اجتماعی، فرهنگی</b></p> |

## ۷. عدم باور مسئولان ارشد سیاسی به وقوع جنگ تحمیلی چگونه تشریح می شود؟

- دولت بنی‌صدر حتی گزارش نیروهای ارتش و سپاه در مورد حمله قریب‌الوقوع عراق را به دلایل سیاسی نادیده گرفت. در ۳۱ مرداد ۱۳۵۹، در اتاق جنگ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، جلسه‌ای به ریاست بنی‌صدر و با حضور آقایان ظهیرنژاد، صیادشیرازی، فرماندهان ارتشی ۳ منطقه نظامی از استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه و نیز محسن رضایی و محمد بروجردی به اتفاق مسئولان سپاه منطقه غرب تشکیل شد. حاج‌احمد متوسلیان، از فرماندهان سپاه، در مورد حمله احتمالی عراق پرسید که بنی‌صدر گفت: «عراق هیچ‌وقت چنین غلطی نمی‌کند، برای اینکه هم در سطح بین‌المللی و سیاست جهان محکوم می‌شود و هم امنیت داخلی خودش به خطر می‌افتد. مطمئن باشید که صدام کشورش را به خطر نمی‌اندازد.»

- در نیمه نخست سال ۱۳۵۹، زمانی که درگیری‌های شدید مرزی میان دو طرف به وقوع می‌پیوست، دعوای بین بنی‌صدر، رجایی و مجلس همچنان ادامه داشت. در این مقطع، کانال‌های ارتباطی دو بار عزم عراق برای جنگ با ایران را به بنی‌صدر اطلاع دادند. حتی بنی‌صدر در خاطرات خود می‌نویسد: «موقعی که آقای رجایی می‌خواست نخست‌وزیر بشود، خطر تجاوز عراق [...] در آن ایام روشن شده بود [...] و با اینکه یاسر عرفات را فرستاده بودم پیش آقای صدام حسین تا دست به این کار نزنند [...] یاسر عرفات رفت به عراق و برگشت و گفت که صدام را مثل طلاوس دیده و او می‌گوید که کار ایران را چهارروزه تمام می‌کنم.»

- کیانوری، دبیرکل حزب توده در این زمینه می‌گوید: «حمله عراق به ایران را ما یک بار مدت‌ها قبل در فروردین ۱۳۵۹ و یک بار بلافاصله در نزدیکی حمله از دوستان خود اطلاع پیدا کردیم و به رئیس‌جمهور بنی‌صدر اطلاع دادیم.» اما رئیس‌جمهور توجهی به این اطلاعات نکرد!

## ۸. عوامل زمینه ساز وقوع جنگ در محیط ملی عراق کدامند؟

- محدودیت دسترسی عراق به آب‌های آزاد.
- وجود اختلاف‌های مرزی.
- ویژگی شخصیتی صدام و ماهیت رژیم بعث.
- نگرانی از تأثیر انقلاب اسلامی بر عراق.
- تلاش صدام برای به دست گرفتن رهبری جهان عرب و ژاندارمی منطقه.
- افزایش و تقویت توان نظامی عراق.
- تقویت و سازماندهی عناصر ضدانقلاب و استفاده از کمک‌های نظامی و اطلاعاتی آنان در عراق.
- سرکوب مخالفان، علما، مراجع و شیعیان عراق.
- اخراج ایرانی تبارهای مقیم عراق.
- تقویت اقتصاد عراق با افزایش ذخیره ارزی و دریافت کمک‌های مالی از دیگر کشورها.
- تغییر شرایط بین‌المللی به نفع عراق و روی کار آمدن صدام برای اقدام علیه ایران.

## ۹. با وجود شواهد تهاجم ارتش بعث عراق، در سال ۱۳۵۹ چرا نیروهای ایران آماده دفاع نبودند؟

بدون شک یکی از راه‌های جلوگیری از آغاز جنگ، قدرت بازدارندگی ایران بود که به دلیل وضعیت نیروهای ارتش، سپاه و بسیج، این امر امکان‌پذیر نبود. در دوران دولت موقت با لغو قراردادهای نظامی و کاهش بودجه و نیروی انسانی ارتش، عملاً این قدرت بازدارندگی

آسیب دید. در دوران دولت بنی‌صدر، او در حد فاصل اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹، علاوه بر ریاست جمهوری، به‌عنوان فرمانده کل قوا نیز منصوب شد. اما نحوه به‌کارگیری نیروهای ارتش و سپاه از جانب او، زمینه استفاده از ظرفیت‌های لازم جهت تأخیر در زمان آغاز جنگ را از بین برد. راه دیگر جلوگیری از آغاز جنگ، «یارگیری سیاسی و مشارکت در یک ائتلاف سیاسی منطقه‌ای یا جهانی» بود. این ظرفیت به‌دلیل حاکمیت فضای دوگانه انقلابی و کامل نشدن ساختارهای سیاسی نظام، عملاً مقدور نبود. در واقع، تمرکز دولت‌های مستقر در بازه زمانی بیست ماهه پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ، آن‌ها را از توجه به تهدیدات خارجی بازداشت و در نهایت، تنها راه «ارائه امتیاز آشکار» بود که در تضاد با خط‌مشی انقلاب قرار داشت.

#### ۱۰. امام یک روحانی بود؛ چگونه جنگ را فرماندهی و اداره می‌کرد؟

امام خمینی<sup>(ره)</sup> یک شخصیت الهی، معنوی، عرفانی، فلسفی، علمی، سیاسی، عبادی و... بود و از همه جهات به‌عنوان یک الگوی مجسم در جهان اسلام مطرح است. ایشان نمادی از ارزش‌های الهی و انقلاب اسلامی بود. او انسانی عاقل، دوراندیش، حکیم، آدم‌شناس، تیزبین، حلیم، متین، آینده‌نگر و در بسیاری از موارد استثنایی بود. شجاعت، شکست‌ناپذیری، هوشیاری، شهامت، تدبیر، ابتکار، بصیرت و... ویژگی‌های این رهبر و انسان ویژه بود. بنابراین برای ورود به بحث و پاسخ اجمالی به پرسش «امام یک روحانی بود، ایشان چگونه جنگ را فرماندهی و اداره می‌کرد؟» ابتدا باید ویژگی‌های او را تبیین کرد.

اگرچه تبیین شخصیت چنین رهبری با ویژگی‌های منحصر به فردش، به‌آسانی ممکن نیست و تبیین اندیشه دفاعی امام مستلزم بررسی وسیع و همه‌جانبه است. در عین حال، در پاسخ به پرسش فوق بررسی مبانی اندیشه امام درباره جهاد و اداره جنگ نشان می‌دهد که او به‌عنوان یک رهبر دینی جنگ را مشروعیت دینی بخشید و تقدیس کرد. ایشان در همان اوایل بارها و بارها جنگ را رحمت الهی و عامل رستگاری معرفی نمود. مردم ایران هم از عمق وجود به کلام امام ایمان داشتند و رزمندگان اسلام بر خود می‌بالیدند که امام‌شان آن‌ها را از مجاهدین راه خدا می‌نامد. امام به جنگ ماهیت ایدئولوژیک و اعتقادی داد و به



حضور مردم در جبهه‌های جنگ مشروعیت دینی بخشید. دفاع ملت ایران و رزمندگان اسلام به‌عنوان دفاع از اسلام و ارزش‌های آن و همچنین انجام تکلیف دینی معرفی شد.

امام راحل (ره) با چنین پشتوانه اعتقادی و بسیج مردمی و همچنین با «انتصاب فرماندهان شجاع و مورد اعتماد در نیروهای مسلح» جنگ را فرماندهی کرد.

## ۱۱. برخی از مهمترین مصادیق رهبری و فرماندهی امام خمینی (ره) در دوران دفاع مقدس کدامند؟

- ایجاد آرامش در جامعه، نخستین اقدام در ادارهٔ اولیهٔ جنگ: در جریان حملهٔ عراق به ایران روزی که هواپیماهای متجاوز عراقی آمدند و تمام مرزهای جنوب و غرب کشور مورد حمله و تجاوز قرار گرفت، مسئولان و فرماندهان در حالی که واقعاً مضطرب بودند، به خدمت امام آمدند و ایشان آن‌ها را راهنمایی فرمودند و وقتی بیرون آمدند، چنان روحیه‌ای گرفته بودند که یکی می‌گفت: عراق را نابود می‌کنیم. دیگری می‌گفت: تا بغداد جلو می‌رویم. مردم هم روحیه‌شان را باخته بودند و منتظر یک بسیج عمومی بودند، ولی امام با یک جمله که «دزدی آمده و سنگی انداخته و در رفته است.»
- بسیج مردم؛ قدرت نهفته انقلاب اسلامی: امام با آینده‌نگری منحصربه‌فردش همهٔ کشور را برای آینده بسیج کرد؛ بسیجی که همه چیزش مردمی بود. نهالی که امام آذر ماه ۱۳۵۸، یک سال پیش از شروع جنگ تحمیلی غرس کرده بود، در طول هشت سال دفاع مقدس هر روز تنومندتر و آبدیده‌تر شد و شجره طیبه‌ای برای مردم و کشور شد. شرح خدمات بسیج و دورانیشی و حکمت امام در باره تشکیل آن خود یک بستر پژوهشی بسیار گسترده است.
- تبدیل تهدید به فرصت: یکی از این ویژگی‌های مهم در اندیشه راهبردی امام خمینی(ره) در حوادث متعدد در دوران مبارزه، پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس، نگاه فرصت محور و رویکرد تبدیل تهدید به فرصت بوده است. تبیین دقیق و عمیق این موضوع مهم نیازمند بررسی‌های همه جانبه و زمانبر است، اما در اینجا به اجمال و با استفاده از مواضع و کلام ایشان برخی نمونه‌ها ارائه می‌شود.

الف- تبدیل تهدید تفرقه به فرصت ایجاد وحدت و انسجام

ب- تبدیل تهدید وابستگی به فرصت ایجاد خودکفایی و عدم وابستگی

- ج- تبدیل تهدید فضای جنگی به فرصت روشنگری و تنویر افکار عمومی
- د- تبدیل تهدید جنگ به فرصتی برای افشای ماهیت دشمنان اسلام
- ه- تبدیل تهدید سست شدن پایه‌های نظام به فرصتی برای محکم کردن پایه‌های انقلاب
- و- تبدیل تهدید جنگ به فرصت ایجاد زمینه بیداری مسلمانان و پایه‌گذاری مقاومت‌های مردمی

## ۱۲. آیا استمرار جنگ پس از آزادسازی خرمشهر اجتناب‌ناپذیر بود؟

تصمیم‌گیری برای پایان دادن یا ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر با نظر اجماع نخبگان و مسئولان سیاسی - نظامی کشور و در حضور امام راحل و پس از برگزاری جلسات متعدد اتخاذ شد. شرایط تصمیم‌گیری ناظر بر این معنا بود که قوای نظامی ایران با آزادسازی مناطق اشغالی، ماهیت جنگ تجاوزکارانه و فرسایشی را با کسب برتری سیاسی - نظامی تغییر داده است و در چنین وضعیتی، به‌زعم امریکا و غرب، ارائه هر گونه امتیاز به ایران به معنای به رسمیت شناختن برتری نظام برآمده از انقلاب اسلامی و در تضاد با منافع غرب است. بنابراین اجتناب از ارائه هر گونه امتیاز به ایران، یک سیاست کلی و مورد توافق بود که از سوی امریکا و غرب دنبال می‌شد. برپایه همین ملاحظه با تعریف برتری ایران به‌عنوان تهدید منافع امریکا و غرب، مهار این برتری، هدف سیاست‌های جدید منطقه‌ای امریکا قرار گرفت. در این مقطع، راه‌حل‌های پیشنهادی برای پایان دادن به جنگ عموماً از سوی برخی کشورهای منطقه، از جمله عربستان مطرح شد که بیشتر ناظر بر تشکیل صندوق مشترک برای پرداخت خسارت به ایران و عراق بود. به این ترتیب که کشورهای منطقه با تشکیل صندوقی مشترک مبالغی را به صندوق واریز کنند و به‌تدریج برای بازسازی ایران و عراق پرداخت شود.

در مجموع می‌توان گفت که پس از آزادسازی خرمشهر شرایط برای اتمام جنگ مهیا نبود. بخش‌های قابل توجهی از خاک ما هنوز در اشغال دشمن بود و هیچ‌گونه تضمین سیاسی و بین‌المللی هم برای تنبیه متجاوز وجود نداشت.

بعد از بازپس‌گیری خرمشهر، منطقه با حمله اسرائیل به جنوب لبنان روبه‌رو شد که وقفه‌ای در ادامه جنگ پیش آمد و نیروی ایران متوجه جنوب لبنان گردید. اما زمانی که احساس شد فتح خرمشهر به‌تنهایی برای ریشه‌کن کردن تجاوز و به دست آوردن حقوق ایران کافی نیست، شعار ادامه «عملیات و دفاع» تا تنبیه متجاوز و ریشه کردن تجاوز مطرح شد.

### ۱۳. ایران بعد از آزاد سازی خرمشهر برای ادامه جنگ یا شروع مذاکره برای صلح، چه راه کارهایی پیش روی داشت؟

**الف - صلح و مذاکره سیاسی:** هیچ پیشنهاد صلحی از مراجع رسمی بین‌المللی که تضمین‌کننده خواسته‌ها و شروط منطقی ایران باشد، وجود نداشته است، این شروط عبارتند از:

۱. عقب‌نشینی متجاوزان از خاک ایران

۲. پرداخت غرامت به ایران ( ۱۵۰ میلیارد دلار)

۳. تعیین و معرفی آغازگر جنگ

۴. بازگشت آوارگان عراقی به کشورشان

۵. تبادل اسراء طرفین

#### ب- ادامه جنگ :

۱. تعلق اراده دو قدرت بزرگ جهانی برای ممانعت از پیروزی قطعی ایران

۲. عدم اراده مجامع جهانی برای گرفتن حق ایران در نتیجه لزوم اقدام ایران به تعقیب و تنبیه متجاوز برای تأمین حقوق بحق خود

۳. ضرورت تعقیب و تنبیه متجاوز برای جلوگیری از سازماندهی و تهاجم مجدد به کشور، با توجه به خوی تجاوزگری و غیر قابل اعتماد بودن صدام

۴. استمرار حملات موشکی و توپخانه‌ای به برخی مناطق کشور از جمله شهر دزفول و شلیک توپخانه‌ای به شهرهای آبادان، خرمشهر و دیگر شهرهای مرزی

۵. تشدید فشارهای اقتصادی، نظامی و تحریم‌ها علیه ایران! در مقابل حمایت گسترده و تقویت نظامی و تسلیحاتی صدام

۶. باقی ماندن بخش‌هایی از خاک ایران در اشغال نیروهای حزب بعث عراق

۷. رهایی کشور از شرایط نه جنگ نه صلح و رسیدن به صلح پایدار

#### ۱۴. چرا ایران بعد از آزادسازی خرمشهر مساله تنبیه متجاوز را در دستور کار قرار داد؟

ایران پیشگام در صلح بود، کما اینکه حضرت امام در سی‌ام خرداد ۱۳۶۱، قبل از شروع عملیات رمضان در یک سخنرانی درباره‌ی اعزام هیأت صلح به ایران و عراق که مورد قبول دو طرف باشد گفتند: «اشخاصی بیایند که طرفین قبول دارند و بنشینند و ببینند که ما به عراق حمله کردیم یا عراق به ما؟ خرابی‌هایی را که آن‌ها وارد کردند ببینند و بروند شهرهای آن‌ها را هم ببینند.»

این سخنان به خوبی نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی مسالمت‌جویی ایران و پذیرش یک هیأت مرضی‌الطرفین است. اما رفتار هیأت صلح چگونه بود؟ آن‌ها قبل از اعلام متجاوز و قبل از هرگونه اقدام عملی، مذاکراتی را مطرح می‌کردند که نه تنها به حقوق ایران توجه کافی نداشت که زمینه را برای فرسایشی شدن جنگ و هدر رفتن منابع فراهم می‌کرد. در همین حال هرچند که عراق ادعا می‌کرد که از تمامی اراضی اشغال‌شده‌ی ایران عقب‌نشینی کرده است، ولی واقعیت چنین نبود.

ارتش عراق در جبهه‌های جنوب تقریباً از تمام مناطق اشغالی به مرزهای رسمی میان دو کشور عقب‌رانده شده بود ولی در سایر مناطق، هر جا که وضعیت زمین برای نیروهایش مساعد بود، به تجاوز خود ادامه می‌داد. البته با نوعی فریب‌کاری مناطقی همچون قصرشیرین، مهران، میمک و قسمت‌های هموار را رها کرده بود، اما در ارتفاعات مسلط آق‌داغ، قلاویزان، ارتفاعات میمک، حمربین و ... مستقر شده بود؛ یعنی از نظر نظامی مناطق تخلیه شده را همچنان در تسلط داشت و برای نیروهای خودی ممکن نبود که بدون تلفات در این مناطق مستقر شوند. علاوه بر این، منطقه‌ی نفت‌شهر نیز کلاً در اختیار نیروهای صدام قرار داشت و صدام به خوبی می‌دانست که در

اختیار داشتن این مناطق می‌تواند در مذاکرات احتمالی، او را از امتیازات لازم برخوردار سازد. همچنین امکان تهاجم مجدد صدام کاملاً مشهود بود.

مطالعه‌ی وقایع داخلی عراق نشان می‌داد که توسعه، بازسازی و تجهیز ارتش و ایجاد تغییرات ساختاری در حکومت این کشور از جمله اولویت‌هایی بود که حزب بعث پس از انقلاب اسلامی به سرعت به آن پرداختند و بعد از عملیات بیت المقدس بشدت آن را توسعه داد. مواردی از این دست که بسیاری همه نشان از این داشتند که تا رسیدن به یک نقطه قابل اتکاء و حصول اطمینان از عدم تهاجم مجدد به ایران و همچنین احقاق حقوق ملت ایران در آن مقطع ادامه دفاع با تعقیب و تنبیه متجاوز بهترین گزینه پیش روی ملت ایران است.

#### ۱۵. آثار و پیامدهای آزادسازی خرمشهر در محیط ملی ایران کدامند؟

- ایجاد شور و نشاط عمومی در ایران در پی بازپس‌گیری خرمشهر و کسب پیروزی‌های در پی در سال دوم جنگ
- تحکیم وحدت و انسجام ملی برای تعقیب و تنبیه متجاوز به عنوان یک خواست عمومی
- تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس ملی و در نتیجه تقویت قدرت ملی ایران
- اثبات برتری ایران و تغییر موازنه جنگ به سود ایران
- ایجاد وقفه در استمرار عملیات بعد از آزادسازی خرمشهر برای تعیین ملاحظات ادامه جنگ با برگزاری جلساتی در حضور امام(ره)

#### ۱۶. آثار و پیامدهای آزادسازی خرمشهر بر راهبرد نظامی عراق کدامند؟

- ایجاد تزلزل در ارتش صدام بدنبال شکست‌های سنگین در سال دوم جنگ
- تغییر استراتژی نظامی عراق پس از آزادسازی خرمشهر توسط ایران
- انجام تغییرات گسترده در ارتش عراق و خرید تسلیحات جدید
- ایجاد استحکامات و مسلح کردن زمین برای صرفه‌جویی در قوا و کسب آمادگی‌های جدید

- اتخاذ شیوه دفاع مطلق در زمین و تهاجم در هوا، دریا و شهرها
- عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی و تظاهر به صلح طلبی
- انجام تغییرات گسترده در کابینه عراق (تغییر ۷ وزیر)

## ۱۷. چه عواملی باعث طولانی شدن جنگ شد؟

تحلیل جنگ به ایران بوسیله صدام و حزب بعث عراق با چراغ سبز قدرت‌های بزرگ جهانی و برخی مجامع بین‌المللی صورت گرفت. این جنگ که اکنون به جنگ ایران و عراق مشهور شده و در ایران به درستی دفاع مقدس خوانده می‌شود، دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی است که آن را از درگیری‌های نظامی دوران معاصر متمایز می‌کند.

این جنگ که طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم به شمار می‌آید. نه یک جنگ کوتاه بلکه یک رویارویی گسترده و درازمدت بوده است. بررسی دلایل و عوامل ادامه جنگ و طولانی شدن آن مستلزم توجه به شرایط حاکم بر کنشگران منطقه‌ای، جهانی و نیز اوضاع حاکم بر محیط ملی دو کشور ایران و عراق در آن دوره زمانی می‌باشد.

ایران با پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل به یک نظام مستقل و خارج از سلطه نظام دوقطبی جهان آن روز یعنی بلوک غرب به سرکردگی آمریکا و بلوک شرق به سرکردگی شوروی سابق شده بود و از آنجا که نه آمریکا و نه اتحاد شوروی نفوذی بر ایران نداشتند، نمی‌توانستند هر موضوعی را به این کشور دیکته کنند.

از سوی دیگر صدام که با اهداف مشخصی جنگ را آغاز کرده بود، به سرعت با شکست استراتژی «جنگ سریع و کوتاه مدت» مواجه شد و مجبور به ادامه یک جنگ طولانی و البته فرسایشی تن دهد.

آنچه روشن است اینکه ایران پس از غلبه بر معضل تجاوز و اشغال، با آزادی مناطق اشغالی و تأمین ثبات سیاسی، وضعیت استراتژیک جنگ را تغییر داد و در موضع برتر قرار گرفت. پیدایش این تحول پیش‌بینی‌ناپذیر بود و معادلات موجود را بر هم زد. در نتیجه مواضع و رفتار عراق و سایر سیاستمداران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را دگرگون کرد. در چنین فضایی با وجود تفوق نظامی ایران، همچنان به خواست‌های ایران بی‌توجهی شد.

وضعیت حاصل از برتری ایران بر باورها و تصورات مردم و نیز بر روحیه رزمندگان و تصمیم‌گیرندگان جنگ تأثیر گذاشت. پیروزی‌های پی در پی در عملیات‌های آزادسازی و تضعیف روحیه ارتش عراق و تلفات وارده بر آن‌ها و همچنین تضعیف موقعیت سیاسی صدام، این باور را ایجاد کرده بود که با تکیه بر اقدامات نظامی می‌توان موقعیت برتر ایران را تثبیت کرد و خواسته‌های برحق جمهوری اسلامی ایران را برآورد. متقابلاً مواضع و سیاست دولت‌های متخاصم، به‌ویژه آمریکا و عراق، نگران‌کننده بود و به نظر می‌رسید در جهت توجه و تأمین خواسته‌های ایران هیچ‌گونه تمایلی وجود ندارد.

در چنین وضعیتی سازمان ملل همچنان از معرفی رژیم عراق به‌عنوان متجاوز طفره می‌رفت و ارتش عراق نیز در خاک ایران مستقر بود. گسترش حمایت از عراق و متقابلاً تهدید ایران و فشار به آن در پایان دادن به جنگ نگران‌کننده بود. در چنین وضعیتی اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد و عراق در برخی مناطق یک‌جانبه عقب نشست و در مناطق استراتژیک استقرار یافت که این امر به پیدایش این باور منجر شد که هدف اصلی، حفظ صدام و فشار بر ایران است و گذشت زمان موجب بازسازی توان نظامی عراق و استحکام مواضع دفاعی آن خواهد شد. در عین حال از دیدگاه برخی کارشناسان و صاحب نظران، تنها مقطعی که می‌توانست جنگ به پایان برسد، مقطع بعد از فتح خرمشهر بود؛ اما به دلایل زیادی این امر محقق نشد و جنگ تا سال ۱۳۶۷ ش. (زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت) ادامه یافت. اگر صلح را مجموعه‌ای از آتش‌بس، عقب‌نشینی، تعیین متجاوز، تأمین خسارت‌های وارده و... بدانیم، باید بگوییم که در آن زمان، (بعد از فتح خرمشهر) هیچ‌گونه پیشنهاد صلحی ارائه نشد و شورای امنیت و دیگران، تنها آتش‌بس و در واقع حالت نه جنگ نه صلح را توصیه می‌کردند.

## ۱۸. عقب‌نشینی ایران از خاک عراق و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مرهون چه عوامل و

### دلایلی است؟

۱ - تغییر راهبرد نظامی و عملیاتی عراق در مقطع پایان جنگ: در این مرحله راهبرد نظامی عراق با گسترش سازمان‌های نظامی و دریافت حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از دیگر کشورهای حامی عراق تلاش کرد تا از وضعیت به‌وجودآمده در جبهه‌های نبرد استفاده کند و مواضع خود را در جنوب تقویت نماید. برخی از دلایل این موضوع عبارتند از:

● حفظ عمده قوا در جبهه جنوب و تغییر تاکتیک‌های عملیاتی.

● برنامه‌ریزی برای بازپس‌گیری سرزمین‌های تصرف‌شده.

● حمله به تأسیسات اقتصادی و نفتی ایران و وسعت بخشیدن به جنگ شهرها.

● استفاده وسیع‌تر از سلاح‌های شیمیایی.

● تهاجم ارتش عراق به مناطق فاو، شلمچه و جزایر مجنون.

۲. تلاش برای تغییر موازنه قوا به نفع عراق: در این زمینه نیز در بازه زمانی منتهی به پذیرش قطعنامه ۵۹۸

و بازپس‌گیری مناطق جنوبی به‌وسیله ارتش عراق، موارد زیر قابل بررسی و ارزیابی است:

- تغییر تاکتیک ارتش بعثی در مقابله با ایران.

- کمک‌های وسیع تسلیحاتی و مالی جهانی به ارتش عراق.

به عنوان مثال ارتش عراق در آغاز جنگ دارای ۱۲ لشکر و ۳۰ تیپ مستقل (یعنی حدود ۶۶ تیپ)، دوازده پایگاه هوایی شامل ۳۰۰ فروند جنگنده و ۳۰۰ فروند هواپیمای پشتیبانی و آموزشی، ۲۵۰۰ دستگاه تانک، ۲۹۵۰ دستگاه نفربر و ۱۵۰۰ عراده توپ صحرایی بود. اما علیرغم تلفات و خسارات در طول جنگ و با حمایت قدرتهای استکباری، در پایان جنگ ۶۲ لشکر، ۶۱۰ فروند جنگنده روز دنیا، ۷۵۰۰ دستگاه تانک و نفربر و ۳۲۰۰ عراده توپ صحرایی داشت. (منبع: کتاب تاریخ توصیفی تحلیلی دفاع مقدس، دکتر محمدحسین افشردی)

- در اختیار قرار دادن اطلاعات مورد نیاز به ارتش عراق.

- افزایش مشاوره و کمک‌های فکری فرماندهان ارتش عراق.

از تابستان سال ۱۳۶۶ تا سال ۱۳۶۷ شرایط بسیار سختی برای طرفین جنگ به وجود آمد. در این مدت جنگ شهرها وسعت بی‌سابقه‌ای یافت و شمار زیادی از غیرنظامیان در معرض مستقیم آسیب‌های جنگ قرار گرفتند. تهران و بغداد و بسیاری از شهرهای بزرگ دو کشور نیز هدف بمباران‌های هوایی و موشک‌های زمین به زمین قرار گرفتند. همچنین جنگ در خلیج فارس توسعه یافت و نفتکش‌های زیادی هدف اصابت قرار گرفت. علاوه بر این، ناوگان جنگی امریکا در خلیج فارس دست به حملات بی‌سابقه‌ای علیه ایران زد. این در حالی بود که جنگ در جبهه‌های زمینی همچنان ادامه داشت. ایران نیز در واکنش به حملات عراق سیاست تهاجمی را در زمین و



دریا و هوا در پیش گرفت. در عین حال رفتن عمده قوای سپاه پاسداران به مناطق شمال غرب، بحث حضور نیروهای داوطلب مردمی، تجهیزات موردنیاز یگان‌های رزم و... از سویی و تقویت بیش از حد رژیم صدام از سوی جبهه‌ی استکبار از سوی دیگر، همه بر موضوعاتی مثل: تهاجمات پایان جنگ از سوی ارتش بعثی صدام و بازپس‌گیری برخی مناطق در جنوب و جبهه‌های دیگر تاثیر داشته است.

## ۱۹. مجامع بین‌المللی، جنبش عدم تعهد و سازمان کنفرانس اسلامی در طول جنگ

### تحمیلی صدام علیه ایران چگونه واکنش نشان داده اند؟

یکی از مهم‌ترین ارکان سازمان ملل متحد، که مسئولیت حفظ صلح و ثبات بین‌المللی منحصرأ به این رکن واگذار شده، شورای امنیت است؛ به عبارت دیگر شورای امنیت مهم‌ترین رکن سازمان ملل است که با دارا بودن اختیارات وسیع و در دست داشتن اهرم‌های اجرایی و قوه‌ی قهریه، مسئول مستقیم حفظ نظم، صلح و امنیت جهانی است. مجموع عملکرد شورای امنیت در قبال جنگ عراق علیه ایران را می‌توان در قالب قطعنامه‌های این شورا تحلیل و بررسی کرد که متأسفانه در طول جنگ هیچگاه نقش پررنگ و تعیین‌کننده‌ای از این شورا دیده نشده است. یعنی اقدامات شورای امنیت عمدتاً مرتبط با وضعیت جبهه‌های جنگ بود، به این معنی که هرگاه پیشرفتی به نفع ایران در جبهه‌ها حاصل می‌شد، شورا قطعنامه‌ای صادر می‌کرد و به تعبیر خود از گسترش جنگ یا ادامه آن یا حملات اخیر ابراز نگرانی می‌نمود و در آن زمان که عراق به تحکیم مواضع خود در خاک ایران می‌پرداخت، شورا با سکوتی سنگین و طولانی جانب متجاوز را می‌گرفت. در نتیجه اگر اقدامات این شورا را در قبال جنگ عراق علیه ایران با آخرین نمونه‌ی اقدامات شورا (موضع‌گیری در مورد تجاوز عراق به کویت) مقایسه کنیم، نتیجه تلخی خواهیم گرفت مبنی بر اینکه تا زمانی که اراده و خواست حداقل یکی از قدرت‌های بزرگ در میان نباشد، شورا از اتخاذ تصمیم جدی عاجز است. شورای امنیت در ۸ سال جنگ ایران و عراق ۱۷ قطعنامه صادر کرد که فقط یکی از آنها یعنی قطعنامه ۵۹۸ که تیر ماه ۱۳۶۶ صادر شد در ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد و الزام آور بود؛ اما این شورا در ۸ ماه جنگ عراق و کویت با خواست آمریکا ۱۳ قطعنامه صادر کرد!

همچنین عملکرد کلی جنبش عدم تعهد در طول جنگ ایران و عراق نشان می‌دهد که علی‌رغم فروگذار نمودن عراق از هرگونه تخلف و جنایت، از تجاوز به خاک ایران گرفته تا نقض مقررات بین‌المللی در هوا و دریا و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، این جنبش نتوانست موضع عادلانه، صریح و قاطعانه‌ای در برابر آن

اتخاذ نماید. با توجه به عدم عضویت ابر قدرت‌ها در این جنبش و عدم برتری و حق امتیاز برای برخی از اعضا، انتظار می‌رفت تا این جنبش با صراحت و قاطعیت بیشتری متجاوز و ناقض حقوق بین‌المللی را محکوم نماید.

این جنبش هیچگاه عراق را به خاطر حمله به مناطق مسکونی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی محکوم نکرد. اگر جنبش عدم تعهد از همان ابتدا، تجاوز و قانون‌شکنی یکی از اعضای خود را قبول نکرده، با اعمال مجازات‌هایی او را مجبور به رعایت قوانین بین‌المللی می‌کرد، صدام این همه گستاخ نمی‌شد که هر روز بیش از پیش قوانین بین‌المللی را نقض نماید و با بمباران مردم بی‌دفاع و استفاده از سلاح‌های شیمیایی، مرتکب وحشتناک‌ترین جنایات تاریخ بشر گردد.

از سوی دیگر سازمان کنفرانس اسلامی برخلاف اصول پذیرفته شده‌ی اساسنامه خود، در قبال تجاوز عراق به خاک ایران سکوت کرده و از محکوم نمودن متجاوز خودداری کرده است. در طرح‌های کمیته‌ی صلح و قطعنامه‌های سران و وزرای خارجه، از طرفین خواسته شده تا با اعلام آتش بس، نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب بکشند. این تقاضا در حالی بود که نیروهای متجاوز عراقی بخش عظیمی از خاک ایران را در اختیار داشتند. برابر دانستن کشور متجاوز با کشوری که خاکش مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته چه معنی داشت؟ بنابراین سازمان کنفرانس اسلامی در محکوم نمودن نقض حقوق انسانی و بین‌المللی، بسیار مسامحه و سستی به خرج داده است.

## ۲۰. برخی مصادیق و نمونه‌های ورود مستقیم آمریکا به جنگ و کمک به صدام کدامند؟

در کوران سال‌های جنگ سرد وجود منافع راهبردی، آمریکا را بر آن داشت تا خود را یکی از کنشگران اصلی این صحنه بداند و از همان ابتدا حمایت‌های آشکار و پنهانش از صدام را اجرا نماید.

واقعیت این است که اقدامات آمریکا در طول دوره جنگ تحمیلی و حتی قبل و بعد آن، از دخالت‌های مستقیم این کشور علیه ایران حکایت می‌کند. در واقع، انقلاب اسلامی ایران به مثابه‌ی اعلام شکست آموزه‌ی نیکسون و تقارن با چهره‌ی جدید و منحصر به فردی از توسعه طلبی کرم‌لین در همسایگی خود، مقوله‌ی ویژه‌ی بود که به تغییر سیاست‌های امنیتی آمریکا در منطقه‌ی خلیج فارس و حضور نظامی مستقیم در آن منجر شد.

آغاز جنگ عراق علیه ایران، بیان کننده بعد ویژه‌ای از سیاست‌های مهار بحران دولت امریکا بود؛ زیرا، آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و رفتارهای ویژه‌ای، که از سوی ایران و آرمان‌های انقلابی آن اعلام می‌شد، تجسم نقش متعارضی بود که یک دولت پیرامونی، آن را علیه الگوی امنیتی مورد نظر امریکا در سطح منطقه خلیج فارس مطرح می‌کرد. بنابراین دخالت مستقیم و غیر مستقیم امریکایی‌ها در طول جنگ تحمیلی برای حفظ منافعشان خود با حمایت از صدام و تضعیف نظام جمهوری اسلامی واقعیتی غیرقابل خدشه است.

### برخی مصادیق و نمونه های ورود مستقیم آمریکا به جنگ عبارتند از:

**الف - عادی سازی روابط با عراق به منظور انجام اقدامات مستقیم در حمایت از صدام:** وزیر خارجه آمریکا ابتدا در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۶۴ اعلام کرد که در صورت پیروزی ایران در جنگ، آمریکا مستقیماً وارد جنگ خواهد شد. دولت ایالات متحده آمریکا در این مقطع تصمیم گرفت که بر حجم کمک‌هایش به رژیم عراق بیفزاید. دونالد رامسفلد به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور در دسامبر ۱۹۸۳ به ملاقات صدام رفت و راه را برای عادی سازی روابط عراق و آمریکا هموار ساخت. آمریکا علاوه بر مبادلات وسیع اطلاعاتی بمب‌های خوشه‌ای نیز از طریق شرکتی که ظاهراً تابعیت شیلی را داشت به عراق تحویل داد و همچنین تسهیلاتی فراهم آورد تا عراق بتواند به سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی دست یابد.

**ب - تحرکات آمریکا و بلوک غرب با ورود مستقیم به خلیج فارس:** تحرکات آمریکا و بلوک غرب برای جبران شکست در مرحله اول و در بدو ورود به خلیج فارس در مرداد ۱۳۶۶، اتفاق افتاد و رفته رفته انسجام بخشیدن به توان نظامی و فرماندهی خود در این منطقه را دنبال کردند تا فشار مؤثر و بیشتری را بر جمهوری اسلامی وارد آورند.

**ج - راه انداختن جنگ نفتکش‌ها:** حمایت‌های قدرتمند بزرگ از صدام در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در روند شرایط جبهه‌های جنگ که به سرعت به نفع سپاه اسلام جریان داشت تغییری ایجاد نکرد. هم‌زمان با تشدید بمباران مناطق مسکونی و شلیک موشک‌ها، آمریکا ناگزیر از دخالت مستقیم شد. ناوهای جنگی فرانسه، انگلیس، آمریکا و روسیه به آب‌های خلیج فارس وارد شدند. آمریکا که تنها راه باقی مانده را بین‌المللی کردن بحران جنگ و درگیر ساختن مستقیم کشورهای دیگر می‌دانست، جنگ موسوم به جنگ نفتکش‌ها را آغاز کرد. مأموریت نیروهای اعزامی، جلوگیری از صدور نفت ایران و توقف و بازرسی کشتی‌های تجاری و جلوگیری از صدور کالاهای اساسی به جمهوری اسلامی بود. در این ماجرا کشتی‌های متعدد

تجاری و حامل نفت ایران مورد حملهٔ موشک‌ها و بمباران‌های هوایی قرار گرفت و چاه‌های نفت متعلق به ایران در آب‌های ساحلی خلیج فارس به آتش کشیده شد.

د- ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایرباس جمهوری اسلامی ایران: آمریکا در آخرین اقدام تجاوزکارانه‌اش دست به جنایتی هولناک زد و هواپیمای مسافربری ایرباس جمهوری اسلامی (پرواز ۶۵۵) حامل ۲۹۰ زن و کودک و مرد مسافر را در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ بر فراز خلیج فارس با شلیک دو فروند موشک از ناو هواپیمابر وینسنس سرنگون و کلیهٔ مسافری آن را قتل عام کرد و دنیای زور و بیگانه از حقیقت و راستی بر این جنایت چشم پوشید چرا که در مورد مردمی اتفاق افتاده بود که اسلام را فریاد می‌کردند و این در نگاه غربیه‌ای متمدن گناهی است نابخشودنی!

**خدایا چنان کن سرانجام کار که تو خشنود باشی و ما رستگار**